

خبر

در پی اختلافات وزارت ورزش و فدراسیون فوتبال

حبیب کاشانی از تیم امید کناره‌گیری کرد



اختلافات وزارت ورزش با فدراسیون فوتبال، حبیب کاشانی را مجبور به کناره‌گیری از تیم‌ملی امید کرد. کاشسانی که مدت کوتاهی بود از سوی علی کفاشیان، رئیس فدراسیون فوتبال برای سر و سامان دادن به اوضاع تیم ملی امید به عنوان مدیر این تیم انتخاب شده بود، در پی اختلافات موجود میان وزارت ورزش و فدراسیون فوتبال، با انتقاد از این شرایط، از سمت خود کناره‌گیری کرد. حبیب کاشسانی با انتشار نامهای، کناره‌گیری خود از تیم المپیک را اعلام کرد.

به گزارش ایسنا، حبیب کاشانی در بخشی از نامه‌اش آورده است: هر چند دلایل ناکامی‌های تیم امید و حسرت ۴۰ ساله صعود به بازی‌های المپیک، حکایت‌مثنوی ۷۰ من کاغذ است و باید ریشه‌های آن را در ساختار فوتبال کشور و نیز مدیریت و نگاه کلان برای موضوع «ورزش» در کشور دانست اما با علم به همه این واقعیت‌ها، دعوت به همکاری از سوی فدراسیون فوتبال برای حضور در تیم المپیک را به فال نیک گرفتم و مثل همیشه آن را فرصتی برای خدمت به مردم و فوتبال کشورمان دانستم.

وی در بخش دیگری از نامه خود اضافه کرده است: از همان ابتدا هم تمام سعی‌ام قدم گذاشتن در بهترین مسیر بود. بهترین مشورت‌ها، بهترین انتخاب‌ها، بهترین پشتیبانی و امکانات با همه بضاعت موجود. برای تیمی که آسیب روحی شدیدی پس از ناکامی بزرگ اینچئون خورده بود، معتقد مجموعه‌ای از بهترین انتخاب‌ها در کنار هم است که به نتیجه می‌رسد. لذا در کنار تدارک امکاناتی مناسب برای تیم و اردوها و بازی‌های تدارکاتی، باید گزینه‌ای شایسته برای هدایت تیم هم روی نیمکت بنشینند. این بود که مجموعه‌ای از بهترین و کار بلدترین مربیان داخلی و خارجی در معرض انتخاب قرار گرفتند و جمع بررسی‌ها، من را به انتخاب آقای کرانچر رساند. یک مربی بزرگ، با کارنامه‌ای روشن و مشخص در داخل و خارج از کشور. با این حال تا همین امروز هم فرصتی بزرگ از دست رفته و زمان، بدون توجه به فرآیند پیچیده تصمیم‌سازی در فوتبال کشورمان، بی‌رحمانه می‌گذرد و به معنای حقیقی کلمه، می‌سوزد.

تردید ندارم موفقیت تیم امید در گرو تعامل بی‌کجوکاست، همکاری و از همه مهم‌تر، همدلی سه ضلع مثلثی است که می‌بایست از کان موفقیت تیم امید کشورمان باشد.فدراسیون فوتبال، کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش. هرچند دخالت‌های خارج از قاعده را مانع تصمیم‌سازی مدیرانه در این مسیر می‌دانم و تشکیک کمیته نظارت بر مربیان خارجی را مخل استقلال فدراسیون فوتبال اما به تصمیم گرفته‌شده احترام می‌گذارم.

البته در چارچوب همین سازوکار عجیب هم پذیرفته نشدن یک سرمربی موفق و باسابقه، به دلایل «فنی قری» بدعت نادرستی است.

پیش از این هم اعلام کرده بودم مساله انتخاب یک شخص خاص برای مربیگری تیم المپیک نیست، انتخاب آقای کرانچر، تصمیم کمیته فنی و هیات‌رئیس فدراسیون بود که البته این انتخاب هم می‌توانست محل بحث کارشناسان امر باشد؛ اما اجالتا این استقلال فدراسیون فوتبال و مسیر پریچ‌وخم تصمیم‌سازی است که گمان می‌کنم در مثلث یادشده، گم‌شده و به بیراهه می‌رود!

حالا باز هم انتخابم همان انتخاب همیشگی است. خدمت به مردم، که گویا اینس بار با کنار کشیدن از تیم امید، رقم می‌خورد. به این امید که با این تصمیم تعاملی، همکاری و همدلی به این مثلث راه یابد و راهی شود برای راهیابی تیم امید به المپیک.

کیوسک



مهدی طاهر خانسی: اگر به مدد پیروزی شگفت‌انگیز در داریبی هفتاد و نهم نبود درخشان وجود داشت. او هرگز نتوانست با میراث دایبی کار را پیش ببرد و حالا که از جام حذفی هم کنار رفتند تقریبا می‌شود مطمئن شد امسال هم خبری از مید جام در پرسپولیس نیست. البته نزنیز پیروزی در داریبی هم تا مدت زمان محدودی در پاک درخشان باقی می‌ماند و بدون شک با ادامه این شکست‌ها او همان حکمی را از مدیرعامل پرسپولیس دریافت می‌کند که پیش از این دایبی با همه اقتدارش آن را گرفت و رفت. و این تیم ماند با این همه کمبود، مشکل و مصیبت.

شکست برابر ذوب‌آهن و وضعیت پرسپولیس در این بازی، آینه تمام قدی بود از مختصات این تیم در فصل جاری. تیمی که همیشه یک عده را به عنوان مصدوم در اختیار ندارد، تیمی که به علت محرومیت همیشه یک عده دیگر را هم ندارد، تیمی که بد بسته شده و بازیکنان جانشین در حد و اندازه‌هایی نیستند که جانشین مناسبی برای اصلی‌ها باشند. تیمی که نفس ندارد، تیمی که هر روز یک مصدوم جدید دارد.

آنچه به سر پرسپولیس در بازی با ذوب‌آهن آمد خروجی اشتباهاتی بود که از اتاق وزیر ورزش شروع و به کوچک‌ترین



بررسی زنجیره اشتباهات بی‌پایان پرسپولیس

دومینوی شکست از کجا شروع شد؟

عضو این زنجیره کابوس وار یعنی بازیکنی مثل احمد نوراللهی ختم شد. هیات‌مدیره پرسپولیس، اعضای این هیات‌مدیره و مدیرعاملی که مورد وثوق امیررضا خادم بود نتوانستند از عهده وظایف خود به خوبی بر آیند. آنها حتی استراتژی درستی در مدیریت بحران نداشتند که اگر داشتند می‌دانستند در طول تاریخ لیگ برتر هرگز در هیچ دوره‌ای پرسپولیس با تعویض مربی در میانه فصل نتوانست نتیجه بهتری بگیرد. بدون شک نه سیاسی این را می‌داند

و نه هیچ یک از اعضای آن هیات‌مدیره گلچین‌شده. به این سیاهه توجه کنید؛ آری‌هان، افشین پیروانی، وینگادا، علی دایی، دیندلی، یحیی گل‌محمدی، همه این مربیان بزرگ در یک برهه، میانه فصل و پس از ناکامی مربی قبلی به پرسپولیس آمدند و بدون استثنا هیچکدام نتوانستند این تیم را فاتح لیگ برتر کنند. به پشتوانه آگاهی از تاریخ می‌شد از روز اول به راحتی حدس زد حمید درخشان هم قادر نیست نتایجی بهتر از آنچه دایبی کسب کرد، به دست آورد. دست‌کم اگر سیاسی آن اشتباه بزرگ را مرتکب نمی‌شد و دایبی را حفظ می‌کرد حالا خبرنگاران راحت‌تر از سرمربی پرسپولیس می‌پرسیدند چرا تیم را این‌گونه بست؟ چرا باید پرسپولیس پر از بازیکنانی باشد که در اندازه‌های این تیم نیستند و ده‌ها چرای دیگر



بدهدا

دومینوی اشتباهات پرسپولیس از اتاق وزیر در گرمای اردیبهشت ماه آغاز شد و حالا تا سرمای آذرماه با ۲ اشتباه یکی مثل احمد نوراللهی ادامه دارد. اگر در آن شب گرم بهاری در سئول درباره پرسپولیس درست تصمیم می‌گرفتند قطعاً در مرحله نیمه‌نهایی جام حذفی، پرسپولیس با بازیکنانی به مراتب بزرگ‌تر و شناخته‌شده‌تر از نوراللهی‌ها بازی می‌کرد. این فوتبال است، بازی اشتباهات. هر که کمتر اشتباه کند فاتح است و پرسپولیس در ۱۴ فصل تنها ۲ بار قهرمان لیگ برتر می‌شود چون از صدر تا ذیل تصمیماتش پر از غلط است.

این غلط می‌خواهید ما به شما نشان می‌دهیم؛ انتخاب هیات‌مدیره، مدیرعامل و اسپانسرری که اخراج شد. تعویض عجولانه مربی‌ای که خودش ۲ میلیارد گرفت اما پول نداشت ستاره بگیرد. تیم را متوسط بست و جدا لمربی جانشین می‌گوید پاسخگو نیست. حالا ناباورانه بازیکنی که در حد تیم نیست و توانایی این را دارد تا با ۲ اشتباه به‌راحتی پرسپولیس را از جام حذفی بیرون کند و این همان پرسپولیس ساخته شماست؛ تیمی که با بازیکنانش مصدوم هستند یا به‌خاطر مسائل انضیابی محروم.

این همه نشانه برای اتوانای تیم مدیریتی منتخب شما کافی نیست؟

سر نوشت جرارد در لیورپول چه خواهد شد؟

ماندن یا رفتن



می‌تواند به همراه باشگاه موفق شود. راجرز کاپیتان خود را در نقشی عمیق‌تر می‌بیند که دیگر هافبک‌ها لیورپول که در اوایل دوران ورزشی خود هستند می‌توانند از آن استفاده کنند ولی بالاتر از همه این است که جرارد لیورپول را دوست دارد و این فرصت را پیدا می‌کند که فوتالش را در آنفیلد پایان دهد. نکات منفی: دینن جرارد روی نیمکت با این شرایطی که راجرز تیم را مدیریت می‌کند بیشتر قابل تصور است و می‌تواند این بازیکن ۳۴ ساله را ناراحت کند. به‌طور کلی اگر تمام شرایط را در نظر بگیریم و گزینه‌های جایگزین او را مد نظر قرار دهیم، احتمال رفتن جرارد از لیورپول بیشتر از ماندن او در باشگاهی است که دوست دارد.

■ ترک باشگاه
نکات مثبت: ثابت شده است که رفتن از لیگ برای بسیاری از همدی‌های جرارد جذاب است و جرارد این شانس را دارد مانند فرانک لمپارد به آمریکا برود و در MLS بازی کند این گزینه از یک نظر دیگر نیز می‌تواند به نفع جرارد باشد زیرا او با بازی در MLS با دستمزدی که دریافت می‌کند می‌تواند در سال‌های

آخر بازی‌اش آینده خود را نیز تضمین کند. نکات منفی: با وجود اینکه پول‌های زیادی در لیگ MLS جابه‌جا می‌شود، از لحاظ کیفیت و پرستیژ بسیار با لیگ برتر متفاوت است. جرارد همچنین باید پیش از هر تصمیمی با خانواده‌اش مشورت کند زیرا آنها نیز باید همراه او برای زندگی به آمریکا بروند.

■ پیوستن به تیمی دیگر در لیگ برتر

نکات مثبت: به این معنی است که جرارد در لیگ برتر ماند و به جایی برود که دستمزدی بالاتر از حد معمول به او پرداخت شود. مقصد بعدی می‌تواند بخش جدیدی در زندگی حرفه‌ای‌اش آغاز کند. رایان گیگز تا ۴۰ سالگی بازی کرد پس اگر او می‌خواهد چنین کاری کند می‌تواند در جایی در خور شخصیتش بازی کردن را ادامه دهد.

نکات منفی: دیگر لیورپولی در کار نیست. همانقدر که ترک آنفیلد برای جرارد سخت است بازگشت او به آنجا و قرار گرفتن مقابل لیورپول برای او سخت‌تر خواهد بود. در مواردی خاص، رفتن او به تیم‌های بزرگ لیگ برتر که با لیورپول رقابت دارند زندگی فوتبالی او را بیشتر از بودن در لیورپول تضمین نمی‌کند در حالی که امضای قرارداد با تیمی کوچک‌تر می‌تواند انگیزه او را کاهش دهد و تاثیر مثبت زیادی برای وی نخواهد داشت.

■ بازی‌نشستگی

نکات مثبت: او به همراه لیورپول در فصل گذشته به قهرمانی در لیگ برتر بسیار نزدیک بود ولی این فصل لیورپول نشانی از تیم سابق ندارد و شاید تصمیم بگیرد که از تلاش برای قهرمانی دست بکشد. بعضی افراد اینکه خودشان بروند را به اینکه آنها را مجبور به رفتن کنند، ترجیح می‌دهند و شاید او تصمیم بگیرد که اکنون زمان مناسبی برای رفتن است بنابراین هم راجرز را از فشارها رها می‌کند و هم بدون شک جایگاهی در کنار راجرز برای مربیگری در انتظار او خواهد بود.

نکات منفی: خداحافظی سخت است بویژه وقتی که هنوز می‌توانید در بالاترین سطح بازی کنید زیرا همیشه به این فکر می‌کنید که چه می‌شود اگر بعد از مدتی دلتان برای فوتبال بازی کردن تنگ شود. جرارد در ۱۶ سال بازیکن حرفه‌ای بود بنابراین این تصمیمی نیست که او به‌سادگی اتخاذ کند.

یادداشت

بهترین بازیکن سال ۲۰۱۴ و پرسش تکراری مسی یا رونالدو

امین ابطحی: رونالدو، مسی یا نویر، سرانجام ۳ نامزد نهایی کسب عنوان بهترین بازیکن سال ۲۰۱۴ از سوی فیفا معرفی شدند اما رقابت بر سر کسب چنین عنوانی در فضایی بر گزار می‌شود که برای ورزش و فوتبال چندان سالم و مفید به نظر نمی‌رسد. کریستیانو رونالدو، مانوئل نویر و لیونل مسی، یکی از این ۳ بازیکن فوتبال در ژانویه سال ۲۰۱۵ میلادی با دریافت توپ طلا به‌عنوان برترین بازیکن سال فوتبال جهان معرفی خواهد شد. پرسشی که کدام یک از این ۳ بازیکن برای دریافت چنین جایزه‌ای سزاوارتر است از ماهه پیش مطرح شده و بحث‌های داغی نیز در پی داشته است. اینکه یک آلمانی بعد از مدت‌ها در جمع ۳کاندیدای نهایی دیده می‌شود نکته‌ای بسیار مثبت و فوق‌العاده برای فوتبال این کشور است و بی‌تردید مانوئل نویر حضور در این مثلث را مدیون عملکرد درخشان خود در جام جهانی و همچنین کسب عنوان قهرمانی این رقابت‌ها با مناشفت است اما همگان برای این سنسگران آلمانی شانس بسیار کمی برای به دست آوردن چنین عنوانی قائل هستند، چون گذشته نشان داده که رقابت اصلی در این‌باره بین مسی و رونالدو در جریان است و همانند ۶ سال گذشته یکی از این دو ابرستاره دنیای فوتبال از لالیگا، توپ طلا را دریافت خواهند کرد. پرسش «مسی یا رونالدو» سال‌ها طرفداران فوتبال را به دو بخش تقسیم کرده و بحث‌های فراوانی در پی داشته است، بحث‌هایی که خسته‌کننده و غیرضروری هستند پرسشی که برای فوتبال باشگاهی مدرن با وجود تکراری بودنش تعیین‌کننده به نظر می‌رسد و به نوعی سعی بر بی‌پایان نشان دادن آن وجود دارد.

■ مسی یا رونالدو بحثی فراتر از فوتبال

چنین مقایسه‌هایی همیشه در ورزش وجود داشته است، پرسش اساسی در ورزش این است که چه کسی بهترین است، حتی چنین مساله‌ای را نمی‌توان از ورزش‌های تیمی نیز جدا کرد اما هنگامی که بین هواداران بحث‌های شدیدی بر سر اینکه کدام بازیکن بهترین است درمی‌گیرد و این بحث‌ها خود جنبه‌ای مستقل و فراتر از ورزش پیدا می‌کند که بر خود ورزش سایه‌انداز می‌شوند، چنین پرسشی مطرح می‌شود که آیا این مسائل به روح ورزش انسب وارد نمی‌کند؟ مسی و رونالدو هر دو بازیکنانی فوق‌العاده هستند که در یک لیگ مشغول به هنرنمایی هستند، هواداران فوتبال در سراسر جهان از عملکرد، آمار گلزنی و شکستن رکوردهای آنها به وجد می‌آیند و بی‌تردید نسل‌های آینده از اینکه نسل حاضر درخشان آنها را در استادیوم‌ها و حتی از طریق دوربین‌های تلویزیونی به‌صورت زنده تجربه کرده‌اند، حسودی خواهند کرد. با این وجود پرسش «مسی یا رونالدو»، پرسشی است که مشارجاتی بی‌پایان به دنبال داشته و سرانجام آن نیز به چیزی جز مشاجره و جنجال بیشتر ختم نمی‌شود البته توجه بیش از حد رسانه‌ها و مطبوعات به این دو ابرستاره و زیرپوشش قرار دادن همه اخبار مربوط به این دو و رقابت بین آنها نیز چنین مساله‌ای را تشدیدمی‌کند.

■ جنجال به جای لذت بردن

جنجال بر سر انتخاب بهترین بازیکن سال ۲۰۱۴ فوتبال جهان، از هفته‌ها پیش آغاز شده است. زمانی که باشگاه رئال مادرید به صحبت‌های میشل پلاتینی، رئیس فیفا درباره ترجیح او به انتخاب یک آلمانی برای این عنوان، بشدت واکنش نشان داد و از انتقاد کرد. زمانی که حتی رسانه‌های اسپانیایی صحبت‌های ژابی آلونسو، بازیکن جدید بایرن مونیخ درباره اینکه وی مایل است چنین جایزه‌ای به مانوئل نویر برسد را تحمل نکرده و از او پشت‌انداز کردند، چون ژابی آلونسو در گفت‌وویی با روزنامه آلمانی Sportbild، گفته بود: «نویر بهترین دروازه‌بانی است که من تا به حال با او همبازی بودم». اگر توپ طلا را جایزه‌ای برای بهترین عملکرد فردی در جهان فوتبال بدانیم، مسی و رونالدو در سال ۲۰۱۴ از این لحاظ بی‌نظیر و دست‌نیافتنی بوده‌اند. حتی اگر در این سال مسی موفق به کسب عنوانی با بارسلونا نشده باشد البته کریس رونالدو با رئال مادرید موفق به کسب دسیمما شد و این می‌تواند تصمیمی برای شانس بیشتر رونالدو در انتخابات پیش رو باشد اما کسانی که چنین جایزه‌ای را اعطا می‌کنند، اغلب با تصمیمات و انتخاب‌های نادر خود، شگفتی‌ساز شده‌اند به طوری که نمی‌توان چنین انتخاب‌هایی را با سا منطق فوتوالسی توجیه کرد. مثال واضح آن تعلق‌نگرفتن توپ طلا به وسلی استنایدر هلندی در سال ۲۰۱۰ است، با وجود اینکه وی درخشش کم‌نظیری در فتح سه‌گانه با اینترمیلان و همچنین کسب نایب‌قهرمانی در جام جهانی داشت.

■ مسی یا رونالدو، چرا هر دو نه؟
هنگامی که سال گذشته مهلت رای‌گیری تمدید شد تا عملکرد قهرمانه رونالدو درساز پلی آف جام جهانی لحاظ شود، بسیاری از فوتبالیست‌ان به اهداف و ارزش‌های چنین جایزه‌ای تردید کردند.

فرانک ریبری که مدتها به‌عنوان مدعی اصلی کسب چنین جایزه‌ای در سال گذشته مطرح بود، بارها درباره فشارها و تحکرت سیاسی که در رای‌گیری تاثیرگذار بوده، صحبت کرده است اما چنین امتیازاتی در سال جاری نصیب لیونل مسی نشده است، چون این ابرستاره آرژانتینی بلافاصله بعد از اتمام مهلت رای‌گیری در تاریخ ۲۱ نوامبر، رکورد گلزنی در لالیگای اسپانیا را با هت‌تریک مقابل سویا چنین رکوردهایی در انتخاب بهترین بازیکن فوتبال سال ۲۰۱۴ با توجه به پایان مهلت رای‌گیری نقشی نخواهد داشت.